

# محدودیت‌های مقداری و استثنائات مربوط به ترازپرداختها در گات و سازمان جهانی تجارت

دکتر علی کاوند \*

## چکیده

به‌طور کلی گات و سازمان جهانی تجارت به‌کارگیری محدودیت‌های مقداری در مورد واردات کالاها و پرداختها و انتقالات بین‌المللی را جز در موارد خاصی مانند وضعیت حاد ترازپرداختها یا فرایند توسعه ممنوع کرده است. تنها اقدامات مبتنی بر قیمت مانند تعرفه، مالیاتها و هزینه‌های دیگر که شفاف بوده و ماهیت عدم‌تبعیض را دارند به میزان محدود توصیه شده‌اند. استفاده از محدودیت‌های مقداری پس از جنگ جهانی دوم به دلیل رهایی از آثار جنگ و توسعه‌نیافتگی اهمیت یافت. در سازمان جهانی تجارت هم کشورهای متعددی مثل هند، بنگلادش، نیجریه، پاکستان، سریلانکا و تونس از این محدودیتها استفاده کرده‌اند. اثر محدودیت مقداری بر واردات با محدودیت ورود سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی تفاوت دارد. محدودیت مقداری بر واردات، تراز تجاری را به‌طور موقتی و در کوتاه‌مدت بهبود می‌بخشد ولی به‌طور ساختاری مشکل ترازپرداختها را حل نمی‌کند، در حالی که محدود کردن جریان سرمایه یا سرمایه‌گذاری موجب بدتر شدن حساب سرمایه می‌شود. بهبود ترازپرداختها معمولاً در نتیجه تشویق ورود جریان سرمایه و بهبود ساختاری اقتصاد خود را نشان می‌دهد که آن هم از طریق اتخاذ مجموعه منسجم و هماهنگی از سیاستهای پولی، مالی، تجاری و ارزی بویژه برای کشورهای در حال توسعه حاصل می‌شود. در ضمن، نظام حل و فصل اختلافات در سازمان جهانی تجارت مسئولیت مهمی در رسیدگی به شکایات در خصوص محدودیت‌های مقداری دارد که در صورت قصور، موجب سوء استفاده از این محدودیتها شده و به آزادسازی تجارت که از جمله اهداف گات و سازمان جهانی تجارت است، آسیب می‌رساند.

## واژه‌های کلیدی

موانع غیر تعرفه‌ای، محدودیت‌های مقداری، استثنای ترازپرداختها.

\* پژوهشگر مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

## (۱) مقدمه

مقررات سازمان جهانی تجارت به منظور آزادسازی تجارت و حداقل کردن اثرات منفی اقدامات گوناگون مربوط به تجارت مانند اعمال محدودیتهای مقداری<sup>۱</sup> بر واردات یا پرداختها و انتقالات بین‌المللی تنظیم شده است. با این حال، مقرراتی در سازمان مذکور وجود دارد که در صورت وجود مشکلات جدی در ترازپرداختها و مشکلات مالی یا خطر بروز آنها به دلایل مختلف از جمله فرایند توسعه اقتصادی یا گذار اقتصادی یا واردات زیاد، به اعضا اجازه می‌دهد که اقدامات تخفیف‌دهنده، حفاظتی، جبرانی و غیره را به‌طور موقتی و در حد ضرورت اعمال کنند که این خود تابع مقرراتی است. برای مثال، ماده ۱۲ موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (گاتس) متذکر می‌شود که به منظور حمایت از ترازپرداختها، یک عضو ممکن است محدودیتهایی را بر تجارت خدمات اعمال کند، به شرط آن که الزامات معینی مانند عدم تبعیض را برآورده کند.

روشهای بسیاری جهت محدود کردن تجارت خارجی بدون استفاده از تعرفه وجود دارند که دولتهای امروزی به بسیاری از آنها پی برده‌اند. برای مثال، زمانی که ایالات متحده استانداردهای بهداشتی خود را وضع کرد، صنعت گوشت گاو آرژانتین نتوانست آنها را برآورده نماید. همچنین، کشور کلمبیا از الزامات مختلفی استفاده کرده است تا واردکنندگان فولاد را وادار به خرید مقدار زیادی فولاد گرانتر از داخل کند. شمار زیادی از دولتها موانع غیرتعرفه‌ای دیگر از جمله انحصارهای دولتی در تجارت خارجی، مقررات خرید از داخل کشور برای خریدهای دولتی، مقررات پیچیده و غیرلازم اداری، کنترل‌های پیچیده ارزی و غیره را مطرح می‌کنند. بسیاری از این موانع مربوط به وظایف قانونی منظمی هستند که جهت مداخله در تجارت انجام می‌گیرند، در حالی که موانع دیگر حاکی از سوءاستفاده‌های آشکاری از مقررات با هدف اصلی تبعیض در مقابل تجارت خارجی هستند.

پس از جنگ جهانی دوم، اهمیت موانع غیرتعرفه‌ای در خصوص تجارت آشکار شد. در اواخر دهه ۱۹۴۰ و آغاز دهه ۱۹۵۰، بسیاری از کشورها از آنها استفاده کردند تا پرداختهای بین‌المللی خود را تحت کنترل شدید در آورند و از اثرات جنگ جهانی دوم و یا از توسعه نیافتگی‌هایی یابند. از دهه ۱۹۵۰، موانع غیرتعرفه‌ای تنها به مقدار کمی کاهش یافته است، درحالی‌که مذاکرات چندجانبه در کاهش تعرفه‌ها به‌طور چشمگیری موفق بوده است. تا زمان دور کندی در

---

1- quantitative restrictions

سال ۱۹۶۷ که کاهش تعرفه‌ها به انجام رسید، موانع غیرتعرفه‌ای مانع عمده تجارت بود و از آغاز دهه ۱۹۷۰ موانع غیرتعرفه‌ای سخت‌تر شد. [۱]

ماده ۱۱ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)، به‌طور کلی استفاده از محدودیتهای مقداری را ممنوع می‌کند. منظور اصلی گات و سازمان جهانی تجارت از این ماده این است که واردات صرفاً باید از طریق تعرفه‌ها و نه با ابزارهای مقداری کنترل شود. بنابراین، ماده مذکور اظهار می‌دارد که «هیچ گونه ممنوعیت یا محدودیتی غیر از عوارض گمرکی، مالیات‌ها یا هزینه‌های دیگر چه از طریق سهمیه‌ها، مجوزهای وارداتی یا صادراتی یا اقدامات مؤثر دیگر، توسط هر طرف متعاقد برای واردات هر محصول از سرزمین طرف متعاقد دیگر یا صادرات هر محصول به سرزمین طرف متعاقد دیگر نباید برقرار یا حفظ شود». اما تعدادی استثنائات برای الزامات مذکور در مورد محدودیتهای مقداری وجود دارند. یک استثنای مهم، وضعیتی است که یک کشور باید از وضعیت مالی خارجی خود حفاظت نماید. استثنای مذکور در ماده ۱۲ (که توسط کشورهای پیشرفته مورد استفاده قرار می‌گیرد) و قسمت «ب» ماده ۱۸ (که توسط کشورهای در حال توسعه به کار برده می‌شود) به‌طور مبسوط شرح داده شده است. قسمت «ب» ماده ۱۸ استفاده از استثنای مذکور را برای اقتصادهایی که دچار مشکل تراز پرداختها عمدتاً ناشی از تلاش برای توسعه بازارهای داخلی و همچنین بی‌ثباتی در رابطه مبادله خود هستند، مجاز دانسته است. هرچند یک کشور می‌تواند تحت شرایط معینی به قسمت «ب» ماده ۱۸ متوسل شود، ولی محدودیتهای مقداری یا اقدامات مبتنی بر قیمت صرفاً تابع شرایط مشخصی است. این شرایط عبارتند از: ۱- بیشتر از یک نوع اقدام محدودکننده که ممکن است بر محصول مشابه اعمال شود، نباشد؛ ۲- محدودیت بر واردات نباید بیش از اندازه باشد، یعنی باید متناسب با میزان مشکل ترازپرداختها باشد؛ ۳- اولویت باید به اقداماتی داده شود که کمترین اثر مختل‌کننده را بر تجارت داشته باشد. همچنین، بر اساس مقررات مربوط به محدودیتهای ترازپرداختها، با بهبود وضع ترازپرداختها، محدودیتهای باید بتدریج کاهش یابند و اقداماتی که دیگر وجودشان توجیه ندارد باید حذف شوند. علاوه بر این، قید شده است که اعضا تا جایی که ممکن است باید به‌طور علنی برنامه زمانبندی‌شده خود برای حذف اقدامات محدودکننده واردات در رابطه با ترازپرداختها را اعلام نمایند. همچنین، مقرراتی برای کمیته محدودیتهای ترازپرداختها به منظور انجام مشاوره وجود دارد.

حذف تدریجی محدودیتهای مقداری برای همه کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت الزامی است. الزام مذکور از این واقعیت ناشی شده است که ماده ۱۱ گات و ماده ۱۱ موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات به‌طور خاص استفاده از محدودیتهای مقداری را ممنوع کرده و کنترل واردات را صرفاً از طریق وضع تعرفه مجاز می‌داند. اهمیت حفاظتهای ترازپرداختها به حدی است که طبق بند ۲۲ اعلامیه وزیران اجلاس دوحه، یکی از هفت موضوع بحث گروه‌کاری تجارت و سرمایه‌گذاری می‌باشد. در مقاله حاضر، ابتدا به مبانی نظری موضوع شامل ترازپرداختهای خارجی و عدم موازنه در آنها و موانع غیرتعرفه‌ای و محدودیتهای مقداری در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت و موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات و استثنائات آن پرداخته خواهد شد؛ سپس به تجربه برخی کشورها درخصوص استفاده از این محدودیتهای اشاره خواهد شد؛ و در پایان استنتاجات کلی خواهد آمد.

## ۲) مبانی نظری

یکی از اهداف اقتصادی کشورها، موازنه ترازپرداختهای خارجی آنها می‌باشد. جهت دستیابی به این هدف، از سیاستهای گوناگونی استفاده می‌شود که از میان آنها می‌توان به سیاستهای جابه‌جایی هزینه‌ها<sup>۱</sup>، سیاستهای تغییر هزینه‌ها<sup>۲</sup>، کنترل‌های مستقیم<sup>۳</sup> و غیره اشاره کرد. سیاستهای جابه‌جایی هزینه‌ها با تغییر نرخ ارز اعمال می‌شود. در نظام نرخهای ارز ثابت، با تضعیف ارزش پول کشور (با فرض ثابت ماندن قیمت کالاها و خدمات داخلی و خارجی و برقراری شرط مارشال-لرنر [۲]) هزینه‌ها از کالاهای خارجی به داخلی جابه‌جا می‌شود. در نتیجه، کالاهای وارداتی در مقایسه با کالاهای مشابه تولید داخل گرانتر شده و واردات کاهش و صادرات افزایش می‌یابد. بدین ترتیب، در صورت وجود کسری در تراز تجاری، کسری تعدیل می‌شود. سیاستهای تغییر هزینه شامل سیاستهای پولی و مالی متضمن تغییر در هزینه‌ها و مالیاتهای دولت یا هر دو می‌باشد که در صورت کسری می‌توان با سیاستهای پولی و مالی انقباضی یعنی به ترتیب با کاهش عرضه پول و کاهش هزینه‌های دولت (و یا افزایش درآمد دولت) که موجب کاهش تولید، درآمد و واردات می‌شود، آن را تعدیل کرد. [۳] کنترل‌های مستقیم شامل تعرفه‌ها، سهمیه‌بندیها و سایر محدودیتهای وضع‌شده بر جریان آزاد تجارت و سرمایه‌های بین‌المللی است. این سیاستها نیز جزء سیاستهای جابه‌جایی هزینه‌ها محسوب می‌شوند، ولی

---

1- expenditure-switching policies  
2- expenditure-changing policies  
3- direct controls

جهت اقلام خاصی در ترازپرداختها مورد استفاده قرار می‌گیرند.[۴] این سیاستها شامل تعرفه‌ها، موانع غیرتعرفه‌ای، سهمیه‌ها، موانع جریان بین‌المللی سرمایه، نرخهای چندگانه ارز و کنترل مستقیم قیمتها و دستمزد به منظور مهار تورم داخلی می‌شوند. اقدامات دیگر عبارتند از وام خارجی، ایجاد انگیزه در افزایش ارسال وجه به داخل کشور توسط عواملی که در خارج از کشور فعالیت می‌کنند، سرمایه‌گذاری خارجی و غیره. در اینجا، قبل از ورود به بحث اصلی، لازم است اشاره‌ای مختصر به ادبیات موضوع ترازپرداختهای خارجی و عدم موازنه در آن و اصطلاحات مرتبط با موضوع شود.

## ۱-۲) تراز پرداختهای خارجی

اصطلاح ترازپرداختهای خارجی، اصطلاح مبهمی است و معمولاً با تعریف غیردقیقی به کار می‌رود. در نتیجه، بحثهای مربوط به سیاست ترازپرداختها اغلب گمراه‌کننده است. بنابراین، مناسب است مفاهیم گوناگون اصطلاح فوق را مشخص نماییم. همواره سه دیدگاه بنیادی متفاوت در مورد ترازپرداختها وجود دارد که غالباً به یک نام خوانده می‌شود. اصطلاح ترازپرداختها مفاهیم زیر را دربردارد:

۱- تراز حسابداری، یعنی تراز اقلام بستانکار و بدهکار

۲- تراز برنامه‌ای، یعنی تراز نیازها و خواسته‌ها

۳- تراز بازاری، یعنی تراز عرضه و تقاضا.

### ۱-۱-۲) تراز پرداختهای مبتنی بر مفهوم حسابداری

تراز پرداختهای مبتنی بر مفهوم حسابداری عبارت است از ثبت منظم کلیه مبادلات بین اتباع یک کشور و اتباع خارجی طی یک دوره زمانی مشخص (یک سال). ثبت آماری مذکور نشان‌دهنده ماهیت و ابعاد روابط اقتصادی یک کشور با بقیه کشورهای جهان می‌باشد. این وضعیت تجاری، تغییر در وضعیت خالص (به‌عنوان وام‌دهنده و قرض‌دهنده) و تغییر داراییهای ذخایر رسمی کشور را نشان می‌دهد و از این نظر برای مقامات مالی کشور می‌تواند خیلی مفید باشد.[۵]

## ۲-۱-۲) تراز پرداختهای مبتنی بر مفهوم برنامه‌ای

تراز پرداختهای مبتنی بر مفهوم برنامه‌ای عبارت است از صورتحساب منظم از منابع و مصارف وجوه خارجی که برای یک دوره در آینده (یک سال یا بیشتر) پیش‌بینی یا برنامه‌ریزی می‌شود و متضمن پیش‌بینی نیازها و خواسته‌های ارزی کشور است (یک نوع تراز حسابداری در آینده می‌باشد). کسری و مازاد در این مفهوم، شکاف بین نیازها و خواسته‌ها از یک سو و مقدار ارز پیش‌بینی شده برای همه مصارف عادی (صادرات، سرمایه‌گذاری خارجی و غیره) از سوی دیگر می‌باشد. ترازپرداختهای مبتنی بر مفهوم برنامه‌ای بیشتر بر اساس روانشناسی مبتنی است تا اقتصاد. بنابراین، ترازپرداختهای مبتنی بر مفهوم برنامه‌ای برای تدوین و هدایت سیاست پرداختها نسبت به ترازپرداختهای مبتنی بر مفهوم حسابداری مفیدتر نمی‌باشد و همانند ترازپرداختهای مبتنی بر مفهوم حسابداری بهتر است به‌عنوان مکمل ابزارهای تحلیلی دیگر بویژه ترازپرداختهای مبتنی بر مفهوم بازاری به کار گرفته شود. [۶]

## ۲-۱-۳) تراز پرداختهای مبتنی بر مفهوم بازاری

ترازپرداختها به مفهوم تراز بازاری، مبتنی بر بازار ارز است که در آن تقاضا برای ارز بیانگر جمع تقاضاهای واردکنندگان، اهداکنندگان به خارج، سرمایه‌گذاران در خارج و مانند آن می‌باشد. همه آنها باید معمولاً پول خارجی بخرند تا مبادلات خارجی خود را انجام دهند. همین‌طور، از آنجا که مبادله‌کنندگان خارجی باید معمولاً پول خودشان را برای پول داخلی ما بفروشند تا پرداختهای داخلی خود را انجام دهند، عرضه ارز شامل جمع بخششهای خارجی و تقاضای خارجی برای صادرات کشور، اوراق بهادار و غیره می‌باشد. قیمت ارز مانند هر قیمت دیگر حاصل برخورد منحنی‌های عرضه و تقاضا می‌باشد. ترازپرداختها به مفهوم تراز بازاری چیزی است که ترازپرداختها به مفهوم حسابداری به لحاظ تاریخی آن را بیان می‌کند. اثبات شده است که ترازپرداختها به مفهوم تراز بازاری در مقایسه با ترازپرداختها به مفهوم حسابداری از جامعیت کمتری برخوردار است، زیرا تأکید شده است که ترازپرداختها به مفهوم تراز حسابداری، تصویر کاملتری از ماهیت و ابعاد مشارکت کشور در اقتصاد جهانی را نشان می‌دهد. [۷]

در مقاله حاضر، منظور از اصطلاح ترازپرداختها، مفهوم حسابداری آن است. بر اساس این مفهوم، هر معامله اقتصادی یا به‌صورت بستانکاری و یا به شکل بدهکاری در ترازپرداختها

منظور می‌گردد. برای هر رقم بستانکار یا بدهکار به ترتیب یک رقم بدهکار یا بستانکار در یکی از سه حساب جاری، حساب سرمایه و حساب تسویه‌های رسمی که اجزاء اصلی ترازپرداختها می‌باشند، ثبت می‌شود. به این عمل حسابداری دوطرفه (دوبل) گفته می‌شود. هر معامله‌ای که به دریافت از خارجیان منجر می‌شود یک معامله بستانکار و هر معامله‌ای که منتهی به پرداخت به خارجیان می‌شود یک معامله بدهکار به حساب می‌آید.

حساب جاری، شامل مبادله کالاها، خدمات و پرداختهای انتقالی و همچنین سرمایه‌گذاریهای بلندمدت و کوتاه‌مدت می‌باشد. منظور از سرمایه‌گذاریهای بلندمدت، سرمایه‌گذاری بین‌المللی ظرف مدت یک سال یا بیشتر می‌باشد و شامل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (احداث کارخانه در خارج)، سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار (خرید اوراق قرضه و سهام خارجی) و وامهای بین‌المللی می‌گردد. سرمایه‌گذاری بین‌المللی در مدت کمتر از یک سال را سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت می‌نامند. هر نقل و انتقال بین‌المللی سرمایه اعم از کوتاه‌مدت و بلندمدت به خصوصی و رسمی (مقامات پولی کشور) و نقدی (مانند سپرده‌های بانکی خارجی) و غیر نقدی (مانند وامهای بانکی خارجی جهت تأمین مالی تجارت) تقسیم می‌شوند. حساب تسویه‌های رسمی شامل مانده تغییر در بدهیهای نقدی و غیرنقدی و مانده تغییر در ذخایر رسمی (طلا، ارزهای قابل تبدیل، حق برداشت مخصوص و سهم طلا در صندوق بین‌المللی پول) است. شایان ذکر است که از آنجا که در حسابداری دوطرفه باید مجموع طرف بستانکار و مجموع طرف بدهکار حساب برابر باشد، به دلیل اشتباهات یا از قلم افتادگیها یک ردیف خاص با همین نام اضافه می‌شود.

#### ۴-۱-۲) کسری یا مازاد ترازپرداختها

تراز پرداختهای خارجی بر اساس اصول دفترداری دوطرفه (دوبل) از نقطه نظر حسابداری همواره در تعادل است و به عبارت دیگر جمع اقلام بستانکار با جمع اقلام بدهکار برابر است. ولی این بدین مفهوم نیست که ترازپرداختهای کشور در تعادل است و به همین دلیل جهت بررسی کسری یا مازاد ترازپرداختها لازم است برخی اقلام را از اقلام دیگر جدا کرده و مانده آنها را به دست آورد. برای نشان دادن کسری یا مازاد ترازپرداختها سه روش وجود دارد که هر یک ترازپرداختها را از منظر متفاوتی در نظر می‌گیرد و عبارتند از تراز اساسی، تراز نقدینگی خالص و تراز تسویه‌های

رسمی. تراز اساسی از مانده حساب جاری و مانده سرمایه بلندمدت تشکیل می‌شود. تراز نقدینگی خالص شامل اقلام تراز اساسی و مانده سرمایه غیرنقدی کوتاه‌مدت بخش خصوصی، تخصیص حق برداشت مخصوص و اشتباهات و از قلم افتادگیها می‌باشد. و تراز تسویه‌های رسمی عبارت است از جمع تراز نقدینگی خالص و مانده سرمایه نقدی کوتاه‌مدت بخش خصوصی. در هریک از روشهای فوق، اگر جمع طرف بدهکار از جمع طرف بستانکار بیشتر شود به میزان اختلاف، کسری وجود دارد و در حالت عکس، مازاد وجود دارد.[۸]

بُ سُدِرسِین و رید هم در کتاب خود اظهار می‌دارند: «به‌طور متداول، سه روش برای نشان دادن عدم موازنه در تراز پرداختها وجود دارد: اول، عدم موازنه در حساب جاری یا حساب تجاری؛ دوم، عدم موازنه در تراز اساسی؛ سوم، عدم موازنه در حساب تسویه‌های رسمی».[۹]

تراز اساسی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به‌عنوان بهترین شاخص وضعیت اقتصادی کشورها مورد توجه قرار گرفت و به‌عنوان جمع تراز حساب جاری و خالص تراز سرمایه بلندمدت تعریف شده و باثبات‌ترین عامل در ترازپرداختها تلقی گردیده است. بدتر شدن تراز اساسی (افزایش در کسری یا کاهش در مازاد یا حتی تغییر مازاد به کسری) بیانگر بدتر شدن وضع اقتصادی (به‌طور نسبی) می‌باشد. کسری در تراز اساسی به طرق گوناگون روی می‌دهد که متقابلاً برابر نیستند. برای مثال، فرض شود که تراز اساسی کسری دارد، زیرا یک کسری حساب جاری با یک کسری در حساب بلندمدت سرمایه همراه است. خروج سرمایه بلندمدت در آینده سود، سود سهام و پرداختهای بهره ایجاد می‌کند که حساب جاری را بهبود می‌بخشد و بنابراین با ثابت بودن سایر شرایط، کسری را کاهش خواهد داد. از طرف دیگر، مازاد تراز اساسی شامل یک کسری در حساب جاری و یک مازاد حساب بلندمدت سرمایه که بیش از پوشش کسری حساب جاری است و با قرض بلندمدت از خارج تأمین شده است، می‌تواند با پرداخت سود، سود سهام و غیره به سرمایه‌گذاران خارجی موجب مشکلاتی در آینده شود.

در ارتباط با حساب تسویه‌های رسمی بررسی می‌شود که در حساب تسویه‌های رسمی آیا انتقال خالص پولی مقامات پولی مثبت یا منفی است. اگر خالص انتقال، منفی است (یعنی جریان به سوی خارج وجود دارد) در ترازپرداختها کسری وجود دارد، ولی اگر یک جریان به داخل وجود داشته باشد در ترازپرداختها مازاد وجود دارد. فرض اساسی این است که مقامات پولی تأمین‌کنندگان مالی نهایی کسری ترازپرداختها یا دریافت‌کنندگان مازاد ترازپرداختها هستند.



مقامات پولی ممکن است کسری را با کاستن از ذخایر پولهای خارجی با قرض از صندوق بین‌المللی پول یا با قرض از مقامات پولی خارجی تأمین مالی کنند. روش حساب تسویه‌های رسمی بیشتر مربوط به نظام نرخهای ارز تثبیت شده<sup>۱</sup> می‌باشد. [۱۰]

## ۲-۲) موانع غیر تعرفه‌ای تجارت

موانع غیرتعرفه‌ای تجارت، محدودیتهایی برای واردات هستند که به شکل معمول تعرفه نیستند. آنها به عنوان ابزاری جهت فرار از مقررات تجارت آزاد که از طریق محدود کردن تعرفه از طرف سازمان جهانی تجارت اعمال می‌شوند، مورد انتقاد قرار می‌گیرند. معمولی‌ترین مثال، اقدامات ضدقیمت‌شکنی، اقدامات حفاظتی و عوارض جبرانی هستند که تحت عنوان حمایت‌های اقتضایی<sup>۲</sup> از آنها نام برده می‌شود. اگرچه آنها موانع غیرتعرفه‌ای نامیده می‌شوند، ولی اثر تعرفه‌ها را دارند تنها تحت شرایط معینی وضع می‌شوند. استفاده از آنها پس از آن که مقررات سازمان جهانی تجارت منجر به کاهش بسیار چشمگیر در استفاده از تعرفه‌ها شد، افزایش یافته است. کشورها سازوکارهای بسیاری را برای محدود کردن واردات به کار می‌برند. یک هدف بسیار مهم دور اروگوئه حذف موانع غیرتعرفه‌ای تجارت (شامل سهمیه) و جایگزین کردن تعرفه در مورد محصولات کشاورزی و سایر موارد ضروری بود. این فرایندی است که تعرفه‌ای کردن<sup>۳</sup> نامیده می‌شود. تعرفه‌ای کردن محصولات کشاورزی به مقدار زیادی به انجام رسید و به عنوان موفقیت عمده گات مورد توجه قرار گرفت.

## ۲-۳) محدودیتهای مقداری

محدودیتهای مقداری، محدودیتهای خاصی هستند که بر مقدار یا ارزش کالاهای وارداتی یا صادراتی وضع می‌شوند. این محدودیتهای می‌توانند به شکل سهمیه، امتیاز انحصاری یا هر روش مقداری دیگری باشد. به عبارت دیگر، محدودیتهای مقداری به اقدامات غیرتعرفه‌ای اشاره می‌کند که به منظور تحت نظارت در آوردن یا ممنوع کردن تجارت بین‌المللی اتخاذ می‌شود. براساس رویه‌های گزارش‌دهی به سازمان جهانی تجارت، محدودیتهای مقداری عبارتند از: الزامات صدور مجوز، سهمیه‌های جهانی که توسط کشورها اختصاص داده می‌شود، سهمیه‌های

1- Pegged Exchange-Rate System

2-contingency protections

3- tariffication

دوجانبه، محدودیتهای مقداری شرکتهای تجاری دولتی، محدودیت مقداری ناشی از حداقل قیمت و موانع یا محدودیتهای داوطلبانه صادراتی<sup>۱</sup> [۱۱] علاوه بر اینها می‌توان به الزامات محتوای داخلی، موانع فنی تجارت، سیاستهای مدیریت نرخ ارز، اصل اقدام احتیاطی<sup>۲</sup> و موانع بهداشتی و بهداشت گیاهی [۱۲] و یا جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری و ضوابط سرمایه‌گذاری اشاره نمود که برخی از آنها در سطور زیر شرح داده می‌شود.

الزامات صدور مجوز برای مثال مجوزهای واردات، ساز و کاری برای محدود کردن واردات است که طبق آن واردکنندگان کالا نیاز به کسب مجوز دارند. برای مثال، قبل از اجرای موافقت‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا)، واردات گندم و دیگر محصولات کشاورزی مکزیکی نیاز به کسب مجوز داشت.

در ارتباط با محدودیتهای مقداری شرکتهای تجاری دولتی [۱۳] بیان می‌شود که این شرکتهای واردکنندگانی هستند که خریدارانحصاری یا جزئی یک کالا یا مجموعه‌ای از کالاها در بازارهای جهانی هستند. آنها همچنین اغلب از امتیاز انحصاری داخلی کامل یا جزئی فروش آن کالاها برخوردارند. در این زمینه نمونه‌های مهمی در بازار جهانی محصولات کشاورزی وجود دارد که از جمله می‌توان به نمایندگی مواد غذایی ژاپن (جو، برنج و گندم)، سازمان بازاریابی محصولات دامی کره جنوبی، و کمیسیون ملی صادرات و واردات مواد غذایی، روغن و حبوبات چین اشاره کرد. شرکتهای مذکور واردات را می‌توانند به چندین روش محدود کنند. برای مثال، آنها می‌توانند یک مجموعه از تعرفه‌های ضمنی واردات را وضع کنند، بدین نحو که کالاهای وارداتی را با نرخ جهانی می‌خرند و آنها را با قیمتهای بسیار بالایی در داخل می‌فروشند. تفاوت بین قیمت خرید و قیمت فروش داخلی به منزله یک تعرفه پنهان است. [۱۴]

محدودیت داوطلبانه صادراتی عبارت است از این که کشور واردکننده، کشور صادرکننده را وادار می‌کند که به طور داوطلبانه صادرات یک کالای خود را کاهش دهد. محدودیتهای داوطلبانه صادراتی به منزله نوعی سهمیه تحمیل‌شده به کشور صادرکننده است و اثر آن تقریباً مانند سهمیه است، به استثنای این که رانت سهمیه ناشی از محدودیتهای داوطلبانه صادراتی به صادرکنندگان تعلق می‌گیرد و نه به واردکنندگان که دارندگان مجوز هستند. دلایل استفاده برخی از کشورها از محدودیتهای داوطلبانه صادراتی، سیاسی است. محدودیتهای داوطلبانه صادراتی به منزله نوعی

---

1- voluntary export restrictions

2- precautionary principle

اصل اقدام احتیاطی یا برنامه‌ریزی پیش‌نگرانه در کنوانسیونهای مربوط به محیط‌زیست و تنوع زیستی برای توجیه اعمال محدودیتهای دولت بر تجارت بر اثر نگرانیهای مربوط به محیط‌زیست و بهداشت مطرح شده است.

ظاهرسازی در مورد حمایت مداوم از اصل تجارت آزاد و اجتناب از وضع تعرفه یا سهمیه است. برای مثال، آمریکا از برخی کشورها درخواست کرد که در مورد خودرو و فولاد، محدودیتهای داوطلبانه صادراتی اتخاذ کنند.[۱۵]

### ۱-۳-۲) پیامدهای اقتصادی محدودیتهای مقداری واردات

محدودیتهای مقداری بر واردات ( شامل محدودیتهای صادراتی طرف تجاری و دیگر اقدامات مشابه که همانند محدودیتهای مقداری بر واردات عمل می‌کنند) از طریق ایجاد محدودیت مستقیم برای مقدار ورود محصولات خارجی، باعث جلوگیری از رویارویی محصولات داخلی با رقابت مستقیم می‌شوند. همچنین، محدودیتهای مقداری، صنعت داخلی را قادر می‌سازد که حداقل موقتاً سود خود را از تولید محصول تضمین و زیاد کند و اشتغال درون صنعت خود را تثبیت نماید. وقتی محدودیتهای مقداری به وسیله یک کشور بزرگ با حجم تجارتی که بر قیمتهای بین‌المللی تأثیر می‌گذارد اعمال می‌شود، این امر ممکن است با کاهش حجم واردات باعث بهبود رابطه مبادله‌اش شود که به طور کلی می‌تواند موجب افزایش رفاه اقتصادی آن کشور گردد. محدودیتهای مقداری واردات و کاهش حاصله در صادرات طرف تجاری ممکن است شرکتهای طرف تجاری را به سرمایه‌گذاری مستقیم در کشور واردکننده تشویق کند و تولید را به کشور محدودکننده واردات منتقل نماید. چنین سرمایه‌گذاری تشویق اشتغال و انتقال فناوری را به همراه خواهد داشت.

با وجود این، محدودیتهای مقداری به دستیابی و بهره‌مندی مصرف‌کنندگان و صنایع کشور واردکننده از محصولات خارجی آسیب می‌رساند و منافع اقتصادی این گروهها با افزایش قیمتتها و محدود شدن دامنه انتخاب آنها کاهش می‌یابد. اگرچه محدودیتهای مقداری ممکن است رابطه مبادله کشور واردکننده را بهبود بخشد، ولی آنها موجب بدتر شدن رابطه مبادله کشورهای صادرکننده می‌شود و بدین طریق رفاه اقتصادی آنها را کاهش می‌دهد. نابرابری بین قیمتهای بین‌المللی و داخلی حاصل از محدودیتهای مقداری باعث به وجود آمدن رانت می‌شود که دارندگان مجوزهای وارداتی و صادراتی از آن بهره‌مند می‌گردند. در مورد محدودیتهای صادراتی این رانت به خارج از کشور منتقل می‌شود. در نتیجه، رفاه اقتصادی کشور واردکننده در مقایسه با مورد مجوزهای وارداتی بیشتر کاهش می‌یابد. محدودیتهای وارداتی به این نیاز دارد که مقادیر،

انواع و واردکنندگان (یا در مورد محدودیتهای صادراتی، صادرکنندگان) از پیش تعیین شوند. این تصمیم مستعد این است که اختیاری و مبهم باشد که این باعث بی‌عدالتی میان صنایع و بی‌انصافی در کسب مجوزهای وارداتی و صادراتی می‌شود. بعلاوه، محدودیتهای مقداری همچنین در انعکاس تغییرات قیمتهای بین‌المللی و نرخهای ارز ناتوان است. گات و سازمان جهانی تجارت همه محدودیتهای مقداری غیر از چند استثنا را ممنوع کرده است.

مدیریت نامطلوب محدودیتهای مقداری اثر زیانباری بر صنعت دارد و باعث عدم تشویق شرکتها به ایجاد مزیت‌های مولد و افزایش کارایی می‌شود که این امر می‌تواند با رقابت شدید تحقق یابد. اگر محدودیتهای مقداری به عنوان اقدامات موقتی با تعدیلات کافی که برای ساختار صنعتی مولد اعمال می‌شود و مزیت‌هایی که طی دوره اجرا به دست می‌آید بوضوح توصیف نشوند، در میان‌مدت و بلندمدت می‌توانند بشدت به توسعه صنعت آسیب رسانده و به منافع اقتصادی کشور محدودکننده صدمه بزنند. [۱۶]

### ۳) محدودیتهای مقداری در گات و گاتس و استثنائات آن

یکی از قواعد اصلی گات، حمایت از صنعت داخلی فقط از طریق تعرفه‌ها می‌باشد که در آن تصریح شده است که کشورهای عضو به منظور حمایت از تولیدات داخلی خود می‌توانند از ابزار تعرفه و آن هم در سطوح پایین استفاده کنند و از به کارگیری محدودیتهای مقداری به استثنای موارد معین منع شده‌اند. مواد ۳، ۸ و ۱۱ گات به صورت کلی وضع این گونه محدودیتها را در تجارت بین‌الملل ممنوع کرده و این ممنوعیت در دور اروگوئه تقویت شده است.

اگر چه گات خواستار تجارت آزاد و باز است ولی این را می‌پذیرد که کشورها اگر بخواهند به منظور حمایت از صنایع خود در برابر رقابت خارجی از ابزار تعرفه‌ها در سطوح پایین و معقول یا اقدامات مبتنی بر قیمت (مانند مالیات اضافی بر واردات و الزامات سپرده واردات) استفاده نمایند. استفاده از ابزار فوق با منع به کارگیری محدودیتهای مقداری تقویت شده است. با وجود این، ممنوعیت استفاده از محدودیتهای مقداری تابع استثنائات مشخصی می‌باشد که یکی از آنها وضعیت حاد ترازپرداختها می‌باشد. طبق این استثنا، به کشورهایی که مشکل ترازپرداختها دارند این اجازه داده شده است که به منظور تنظیم وضعیت مالی خارجی و جلوگیری از کاهش جدی ذخایر پولی خود واردات را محدود نمایند. استثنای فوق برای کشورهای در حال توسعه در مقایسه

با کشورهای توسعه‌یافته از انعطاف بیشتری برخوردار است. [۱۷] برای مثال، در خصوص مشورتهای کشورهای در حال توسعه‌ای که بر اساس ماده ۱۲ گات اقدامات محدودکننده را اتخاذ می‌کنند باید هر دو سال یک بار این مشورتهای را انجام دهند، در حالی که کشورهای توسعه‌یافته بر اساس قسمت «ب» ماده ۱۸ مشورتهای را باید سالی یک بار انجام دهند.

بنابر مقررات سازمان جهانی تجارت، هر عضوی که محدودیت تجاری را اتخاذ می‌کند باید آن را با مقررات نظام تجارت بین‌الملل سازگار سازد. در سطور زیر به برخی از مقررات مرتبط با ممنوعیتها و استثنائات اعمال محدودیتهای مقداری بر واردات کالاها یا خدمات اشاره خواهد شد.

### ۱-۳) ماده ۱۲ و قسمت «ب» ماده ۱۸ گات

بر اساس ماده ۱۲ و قسمت «ب» ماده ۱۸ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت، یک عضو می‌تواند بنا به دلایل حفظ وضعیت مالی خارجی، کاهش شدید ذخایر پولی و وضعیت حاد ترازپرداختهای خود، محدودیتهایی را بر واردات اعمال کند. ماده ۱۲ از ۵ بند تشکیل شده است که در خصوص محدودیتهای مربوط به حفاظت از ترازپرداختها می‌باشند:

۱- به رغم مقررات بند ۱ ماده ۱۱ گات [۱۸]، هر طرف متعهد به منظور حفاظت از وضعیت مالی خارجی و ترازپرداختهای خود می‌تواند مقدار و ارزش کالای مجاز برای واردات را محدود می‌کند و آن را در صورت عدم تجاوز از حد ضرورتهای زیر برقرار، حفظ و یا تشدید کند؛

۲- محدودیتهای وارداتی حفظ یا تشدیدشده از حد ضرورت از جمله دفع خطر فوری یا متوقف کردن کاهش شدید ذخایر پولی یا رسیدن به یک سطح معقول از افزایش ذخایر تجاوز نخواهد کرد؛

۳- توجه مقتضی به لزوم حفظ یا اعاده تعادل در ترازپرداختها در اجرای سیاستهای داخلی؛

۴- مشورت فوری با طرفهای متعهد دیگر به هنگام اعمال محدودیتهای جدید یا تشدید قابل‌ملاحظه اقدامات به عمل آمده؛

۵- دعوت به گفتگو جهت برطرف نمودن عدم تعادلهای مداوم و گسترده در ترازپرداختها که موجب محدود شدن تجارت بین‌الملل می‌شود.

همچنین، ماده ۱۸ از ۲۳ بند تشکیل می‌شود که به مسأله کمکه‌های دولت در جهت توسعه اقتصادی می‌پردازد. بر اساس قسمت «ب» ماده ۱۸، طرفهای متعهد مجدداً تایید کرده‌اند که

ممکن است برای طرفهای متعاقد لازم باشد که به منظور اجرای برنامه‌ها و سیاستهای توسعه اقتصادی که جهت افزایش سطح استاندارد عمومی زندگی مردم اتخاذ شده‌اند، اقدامات حمایتی یا اقدامات دیگر مؤثر بر واردات را اتخاذ کنند و چنین اقداماتی تا آنجا که به تسهیل دستیابی به اهداف موافقت‌نامه می‌انجامد توجیه‌پذیر می‌باشند. بنابراین، آنها توافق کرده‌اند که طرفهای متعاقد باید از امکانات اضافی بهره‌مند شوند تا آنها را قادر کند که (الف) انعطاف کافی در ساختار تعرفه خود را حفظ کنند تا بتوانند حمایتهای تعرفه‌ای لازم را برای تأسیس صنعتی خاص اعطا کنند، (ب) اعمال محدودیتهای مقداری برای تراز پرداختها طوری باشد که کاملاً سطح بالا و مستمر تقاضا برای واردات متناسب با برنامه‌های توسعه اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. [۱۹]

#### ۲-۳) بیانیه ترازپرداختهای دور توکیو در ۲۸ نوامبر ۱۹۷۹

پس از دور توکیو، بیانیه ۱۹۷۹ که در خصوص اقدامات تجاری مرتبط با ترازپرداختها اتخاذ شد، مقررات همه اقدامات تجاری را گسترش داد. این اقدامات در رابطه با ترازپرداختها و نه صرفاً محدودیتهای مقداری وضع شده است. همه اقدامات تجاری اتخاذ شده در رابطه با ترازپرداختها در حوزه الزامات اطلاع‌رسانی و مشورت می‌آیند. اعلامیه ۱۹۷۹ سه شرط جدید برای اعمال اقدامات مرتبط با ترازپرداختها اعمال کرد که عبارتند از: ۱- اولویت باید به اقدامی داده شود که حداقل اثر مخرب را بر تجارت داشته باشد و از مقرراتی که در گات قید شده است پیروی کند؛ ۲- اجتناب از اعمال همزمان بیشتر از یک اقدام تجاری در رابطه با ترازپرداختها؛ ۳- طرفهای متعاقد هر وقت که ممکن باشد باید به طور علنی جدول زمانی حذف این اقدامات را اعلام کنند. همچنین، تأکید شده است که اقدامات مذکور نبایستی به منظور حمایت از صنعت یا بخش خاصی اتخاذ شود.

در بیانیه مذکور تصریح شده است که شورای مورخ ۲۸ آوریل ۱۹۷۰، روشهایی (روشهای جامع مشورت) را به منظور انجام مشورتهایی در ارتباط با محدودیتهای ترازپرداختهای کشورهای توسعه‌یافته و شورای مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۷۲ روشهایی (روشهای خلاصه مشورت) را برای انجام مشورتهای منظم روی محدودیتهای ترازپرداختهای کشورهای در حال توسعه یادآوری کرده‌اند. همچنین، طرفهای متعاقد متقاعد شده‌اند که به طور کلی اقدامات

محدودکننده تجاری روشی ناکارا برای حفظ یا برگرداندن تعادل ترازپرداختهاست. ضمناً، آنها متذکر شده‌اند که اقدامات محدودکننده واردات غیر از محدودیتهای مقداری برای منظور ترازپرداختها اعمال شده است. بعلاوه، اقدامات مذکور نباید به منظور حمایت از صنعت یا بخش خاصی باشد. همچنین باید در جهت اجتناب از اتخاذ اقدامات فوق به منظور تشویق سرمایه‌گذاریهای جدید که در غیاب این اقدامات موفق نیستند تلاش شود. بعلاوه، طرفهای متعاقد با کمترین درجه توسعه‌یافتگی باید به توسعه وضعیت مالی و تجاری خود به هنگام اجرای اقدامات مذکور توجه کنند. همچنین، به این نکته باید توجه شود که اثر اتخاذ اقدامات فوق توسط کشورهای توسعه‌یافته بر اقتصاد کشورهای در حال توسعه می‌تواند جدی باشد. ضمناً، کشورهای توسعه‌یافته باید در صورت امکان از اتخاذ اقدامات مذکور برای منظور ترازپرداختها اجتناب کنند. موارد توافق شده عبارتند از:

۱- روشهای بررسی که در مواد ۱۲ و ۱۸ گات قید شده است برای کلیه اقدامات محدودکننده واردات برای منظور ترازپرداختها اعمال خواهد شد؛ ۲- توجه طرف متعاقد توسعه‌یافته در صورت مجبور شدن به اعمال اقدامات مذکور به تأثیر آنها بر منافع صادراتی طرف متعاقد با کمترین درجه توسعه‌یافتگی؛ ۳- اطلاع فوری شروع یا تشدید اقدامات فوق؛ ۴- اعلام کلیه اقدامات فوق جهت رسیدگی به کمیته؛ ۵- آزاد بودن عضویت در کمیته برای کلیه طرفهای متعاهدی که تمایل به خدمت دارند؛ ۶- تصویب روشهای جامع و خلاصه مشورت توسط کمیته؛ ۷- جمع‌آوری کلیه منابع مناسب اطلاعاتی به وسیله دبیرخانه گات جهت تسهیل مشورتهای در کمیته؛ ۸- داوری کمیته بر اساس نوع روش مانند مدت زمانی که از آخرین مشورتهای جامع گذشته، مراحل قبلی مشاوره، تغییرات در میزان کلی یا ماهیت اقدامات تجاری، تغییرات در وضعیت یا دورنمای ترازپرداختها و بررسی ساختاری یا موقتی بودن مشکلات ترازپرداختها در خصوص مشورتهای مذکور در بند ۱۲ قسمت «ب» ماده ۱۸؛ ۹- امکان تقاضای مشاوره‌های جامع در هر زمان به وسیله طرف متعاقد با کمترین درجه توسعه‌یافتگی؛ ۱۰- استفاده طرف متعاقد با کمترین درجه توسعه‌یافتگی از کمکهای فنی (در فراهم نمودن مدارک جهت مشاوره) دبیرخانه گات در صورت درخواست طرف مذکور؛ ۱۱- گزارش مشاوره‌های جامع کمیته به شورا؛ ۱۲- توجه خاص کمیته به امکان کاهش و رفع مشکل ترازپرداختها از طریق اقداماتی که طرفهای متعاقد جهت تسهیل افزایش درآمد صادراتی طرف متعاقد مشاور با کمترین درجه توسعه‌یافتگی طی مشاوره جامع و در صورت تمایل طرفهای مذکور اتخاذ کنند (همان طور که در بند ۳ روشهای جامع مشورت قید شده است)؛ ۱۳- اطلاع ناسازگاری اقدام محدودکننده واردات طرف

متعاقد مشاور با ماده ۱۲ و قسمت «ب» ماده ۱۸ طی گزارش کمیته به شورا و اعمال نظارت شورا بر هر موضوعی که به آن توصیه شود. [۲۰]

### ۳-۳) تفاهم‌نامه مربوط به مقررات ترازپرداختها در گات ۱۹۹۴

تفاهم‌نامه مربوط به مقررات ترازپرداختها از لحاظ قانونی جزء لاینفک گات ۱۹۹۴ می‌باشد و متکی به ماده ۱۲ و قسمت «ب» ماده ۱۸ و اعلامیه ۱۹۷۹ دور توکیو است و آنها را توضیح می‌دهد. در این تفاهم‌نامه، حقوق و تعهدات اعضا به موجب ماده ۱۲ و قسمت «ب» ماده ۱۸ گات بدون تغییر مانده است و همان‌طور که در تفاهم‌نامه حل اختلاف ذکر شده، قابل استناد است. در این تفاهم‌نامه به ۱۳ مورد اشاره شده است که ۴ مورد اول مربوط به اجرای اقدامات، ۴ مورد بعدی مربوط به رویه‌های مشورت در مورد ترازپرداختها، ۴ مورد بعدی به اطلاع‌رسانی و ارائه اسناد و مورد آخر به نتیجه‌گیری در مورد مشورتهای مربوط به ترازپرداختها اختصاص داده شده است.

در مورد اجرای اقدامات، اعضا موارد زیر را تأیید کرده‌اند:

- اعلام عمومی جداول زمانی، در اسرع وقت ممکن، جهت از میان برداشتن اقدامات محدودکننده واردات برای مقاصد ترازپرداختها؛
- تقدم برای اتخاذ اقداماتی (اقدامات مبتنی بر قیمت یا اقدامات تجاری معادل مؤثر بر قیمت کالای وارداتی) که بر تجارت کمترین اثر مخرب را دارند و اگر اقدام مبتنی بر قیمت از حقوق تثبیت شده فراتر رود، براساس چارچوب رویه‌های اطلاع‌رسانی تفاهم‌نامه فوق به طور روشن و جداگانه مشخص خواهد شد؛
- خودداری از وضع محدودیتهای مقداری جدید به استثنای وجود وضعیت حاد ترازپرداختها و در صورت ناکارا بودن اقدامات قیمتی در جلوگیری از وضعیت بحرانی ترازپرداختها با ارائه دلایل توجیهی؛
- استفاده از اقدامات محدودکننده برای مقاصد ترازپرداختها نباید فراتر از حدی برود که برای مقابله با وضعیت حاد ترازپرداختها لازم است و درضمن محدودیتهای باید به طور شفاف اعمال شوند.

در زمینه رویه‌های مشورت در مورد ترازپرداختها به موارد زیر اشاره می‌شود:



- جهت بررسی اقدامات محدودکننده و ارات برای مقاصد ترازپرداختها، مشورتهایی بر اساس رویه‌های جامع مشورت مصوب ۲۸ آوریل ۱۹۷۰ به وسیله کمیته محدودیت‌های ترازپرداختها صورت خواهد گرفت.
- عضوی که محدودیت‌های جدیدی را به اجرا گذاشته یا اقدام به افزایش سطح محدودیت موجود خود می‌نماید، باید ظرف مدت چهار ماه پس از اتخاذ چنین اقدامی با کمیته وارد مشورت شود. این مشورت به وسیله عضو اقدام‌کننده بر اساس شق «الف» از بند ۴ ماده ۱۲ یا شق «الف» از بند ۱۲ ماده ۱۸ درخواست می‌شود. در این مشورت، شروع انواع جدید اقدامات محدودکننده یا افزایش سطح یا پوشش کالایی محدودیتها بررسی می‌شوند.
- متناوباً تمام محدودیت‌های فوق بر اساس شق «ب» از بند ۴ ماده ۱۲ یا شق «ب» از بند ۱۲ ماده ۱۸ در کمیته بررسی می‌شوند. دوره تناوب با موافقت عضو مشورت‌کننده قابل تغییر است.
- در مورد کشورهای عضو با کمترین درجه توسعه‌یافتگی یا کشورهای در حال توسعه‌ای که آزادسازی را بر اساس جدول ارائه شده به کمیته در مشورتهای قبلی دنبال می‌کنند یا کشورهای در حال توسعه‌ای که زمان بررسی سیاست تجاری آنها برای همان سال تعیین می‌گردد، مشورت می‌تواند بر اساس رویه‌های مختصر صورت گیرد. فقط کشورهای عضو دارای کمترین درجه توسعه‌یافتگی می‌توانند از دو مشورت پی‌درپی طبق رویه‌های مختصر مشورت استفاده کنند. در خصوص اطلاع‌رسانی و ارائه اسناد به موارد زیر اشاره شده است:
- اطلاع شروع یا هرگونه تغییر در اعمال اقدامات محدودکننده واردات برای مقاصد تراز پرداختها از سوی اعضا به شورای عمومی. تغییرات مهم قبل از اعلام یا حداکثر ۳۰ روز پس از اعلام آنها به شورای عمومی اطلاع داده خواهد شد. اعضا باید سالیانه اطلاعیه منسجمی در مورد تغییرات قوانین، آیین‌نامه‌ها، بیانیه‌ها در ارتباط با سیاست یا خط‌مشی یا اطلاعیه‌های عمومی را جهت بررسی اعضا در اختیار دبیرخانه قرار دهند.
- بررسی احتمالی اطلاعیه‌ها (که در صورت امکان بر حسب‌ردیف تعرفه خواهد بود) به درخواست هر عضو.
- تهیه سند اصلی جهت مشورت توسط عضو مشورت‌کننده شامل بررسی کلی وضعیت ترازپرداختها و دورنمای آن از جمله توجه به عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر وضعیت ترازپرداختها، توضیح کامل محدودیت‌های جاری برای مقاصد مربوط به ترازپرداختها و مبنای

حقوقی آنها و اقدامات اتخاذ شده جهت کاهش آثار حمایتی جانبی، اقدامات اتخاذ شده پس از آخرین مشورت، برنامه‌ریزی جهت حذف و کاهش تدریجی بقیه محدودیتها.

- تهیه گزارشی در خصوص موضوع و منطبق بر واقعیات به وسیله دبیرخانه که مشورت را در کمیته آسان می‌سازد. در مورد کشور در حال توسعه عضو، گزارش مذکور حاوی مطالب تحلیلی در ارتباط با تأثیر وضعیت تجارت خارجی بر وضعیت و دورنمای ترازپرداختهای کشور عضو مشورت‌کننده خواهد بود. همچنین، کشور در حال توسعه عضو در صورت درخواست از کمک فنی دبیرخانه برای تهیه اسناد جهت مشورت بهره‌مند خواهد شد.

در ارتباط با نتیجه‌گیری در خصوص مشورتهای مربوط به ترازپرداختها به مورد زیر اشاره شده است:

- گزارش نتیجه‌گیریها به شورای عمومی از طرف کمیته. اگر مشورت براساس رویه‌های جامع صورت گیرد، در گزارش باید نتیجه‌گیریها حاوی نکات مختلف برنامه مشورت و واقعیات و دلایل آن عنوان گردد. علاوه بر این، کمیته سعی خواهد کرد که در کنار نتیجه‌گیریهای خود توصیه‌هایی را به منظور کمک به اجرای ماده ۱۲ و قسمت «ب» ماده ۱۸، اعلامیه ۱۹۷۹ و تفاهم‌نامه حاضر پیشنهاد کند. [۲۱]

#### ۳-۴ موافقت‌نامه اقدامات حفاظتی

به طور کلی، اقدامات حفاظتی به مفهوم اقدامات موقتی، استثنایی و اضطراری تحت شرایط معینی می‌باشند. طبق اقدامات حفاظتی، به منظور حمایت از منافع اولویت‌دار دیگر، به دولتهای عضو اجازه داده می‌شود که از تعهدات مبتنی بر موافقت‌نامه‌های بین‌المللی معاف شوند. از همه مهمتر، اقدامات حفاظتی به منظور حمایت از ترازپرداختهای کشور از ابزارهای ضروری برای اجتناب از وضعیتی است که در آن مشکلات ترازپرداختها، کشور را بدون هیچ راهی برای تعدیل پرداخت خارجی وامی‌گذارد و باعث کاهش تجارت شده و کشور را خارج از نظام تجارت بین‌الملل نگاه می‌دارد.

استفاده از اقدامات حفاظتی در رابطه با ترازپرداختها در گات و گاتس منوط به مقرراتی است. برای مثال، ماده ۱۲ گاتس متذکر می‌شود که به منظور حمایت از ترازپرداختها، یک عضو ممکن است محدودیتهایی را بر تجارت خدمات اعمال کند، به شرط آن که الزامات معینی مانند عدم

تبعیض را برآورده کند. [۲۲]

بر اساس فرهنگ اصطلاحات سیاست تجاری، اقدامات حفاظتی یا حفاظتها به اقدام حمایت از صنعتی خاص در مقابل افزایش غیرمنتظره واردات که باعث تهدید یا لطمه جدی می‌شود، اطلاق می‌گردد. معمولاً اقدام حفاظتی به اقدام اتخاذ شده طبق ماده ۱۹ گات (اقدام اضطراری در مورد محصولات خاص) اشاره دارد که شرط فرار<sup>۱</sup> نامیده می‌شود. [۲۳] با وجود این، اقدامات حفاظتی براساس ماده ۱۲ (محدودیت‌های مربوط به حفاظت از ترازپرداختها) و ماده ۱۸ (کمک دولت به توسعه اقتصادی) امکانپذیر است. انواع شیوه‌های حفاظت براساس مقررات سازمان جهانی تجارت به وسیله تحلیلگران سیاست تجاری در بانک بین‌المللی باسازی و توسعه<sup>۲</sup> ارائه شده است. اما این طبقه‌بندی لزوماً مورد قبول همه اعضای سازمان جهانی تجارت نمی‌باشد. بنا بر این دیدگاه، اقدامات حفاظتی امکان دارد به شش طریق متفاوت زیر اتخاذ شود که همه اقدامات مذکور منوط به شرایطی مانند وجود دلایل موجه می‌باشند:

- ۱- در صورت قیمت‌شکنی بر اساس ماده ۶ گات؛
- ۲- حمایت از وضعیت مالی خارجی و ترازپرداختها طبق ماده ۱۲ گات و در مورد کشورهای در حال توسعه، قسمت «ب» ماده ۱۸؛
- ۳- فراهم شدن کمک دولتی برای تشویق توسعه اقتصادی بر اساس قسمتهای «الف» و «ج» ماده ۱۸؛
- ۴- تعویق یا تعدیل تعهدات آزادسازی بر اساس ماده ۱۹ در صورت بروز شرایط پیش‌بینی نشده یا در صورت افزایش واردات یک محصول به طوری که موجب ایراد یا تهدید به ایراد لطمه جدی به تولیدکنندگان داخلی محصولات مشابه یا رقیب شود؛
- ۵- مذاکره مجدد درباره تعهدات طبق ماده ۲۸ گات با هدف کاهش واردات؛
- ۶- استثنائات کلی و استثنائات امنیتی طبق گات و گاتس. [۲۴]

### ۳-۵) موافقت‌نامه کشاورزی

در بند ۲ ماده ۴ موافقت‌نامه کشاورزی که مربوط به دسترسی به بازار است قید شده است که به استثنای ماده ۵ (که در ارتباط با مقررات حفاظتی ویژه می‌باشد) و ضمیمه ماده ۵ (که مربوط به رفتار ویژه در خصوص بند ۲ ماده ۴ است)، اعضا هیچ گونه اقدامی را که باید به حقوق گمرکی

---

1- escape clause

2- International Bank for Reconstruction and Development

تبدیل شود اعمال نخواهند کرد. این اقدامات عبارتند از محدودیتهای کمی واردات، محدودیتهای داوطلبانه صادراتی و سایر اقدامات به عمل آمده در مرزها غیر از حقوق گمرکی.

### ۳-۶) موافقتنامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری

در بند ۲ ماده ۲ موافقتنامه مذکور تصریح شده است: «فهرست توضیحی در خصوص ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری که با تعهد به حذف کلی محدودیتهای مقداری مندرج در بند ۱ ماده ۱۱ گات مغایرت دارند، در ضمیمه موافقتنامه حاضر گنجانده می‌شود» و در ماده ۳ که به استثنائات مربوط می‌شود اظهار شده است: «در صورت اقتضا، تمامی استثنائات مندرج در گات ۱۹۹۴، در مورد موافقتنامه حاضر قابل اعمال می‌باشند». همچنین بر اساس ماده ۴ این موافقتنامه، به کشورهای در حال توسعه این اختیار داده شده است که تا آن حد و به گونه‌ای که ماده ۱۸ گات ۱۹۹۴ و تفاهم‌نامه مربوط به مقررات ترازپرداختها در گات ۱۹۹۴ و بیانیه ترازپرداختهای دور توکیو در ۲۸ نوامبر ۱۹۷۹ به اعضا اجازه داده است، از ماده ۱۱ گات ۱۹۹۴ (یعنی حذف کلی محدودیتهای مقداری) و ماده ۲ موافقتنامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری (یعنی حذف کلی محدودیتهای مقداری مندرج در بند ۱ ماده ۱۱ گات ۱۹۹۴) موقتاً عدول نمایند.

### ۳-۷) موافقتنامه عمومی تجارت خدمات (گاتس)

در ماده ۱۱ گاتس که در خصوص پرداختها و انتقالات می‌باشد، عنوان می‌گردد که اعضا در مورد انتقالات و پرداختهای بین‌المللی بابت مبادلات جاری مربوط به تعهدات خاص، به استثنای موارد مندرج در ماده ۱۲، محدودیتی اعمال نمی‌کنند. و در ماده ۱۲ که در ارتباط با محدودیتهای مربوط به حفظ ترازپرداختهاست، آمده است که در صورت وجود دشواریهای جدی در تراز پرداختها و مشکلات مالی خارجی یا خطر بروز آنها، یک عضو می‌تواند محدودیتهایی را در مورد تجارت خدمات که در خصوص آنها تعهدات خاصی [۲۵] را پذیرفته است، از جمله در مورد پرداختها یا انتقالات در مورد مبادلات مربوط به چنین تعهداتی، برقرار یا حفظ کند. تأیید می‌شود که فشارهای خاص وارده بر ترازپرداختهای یک عضو در فرایند توسعه اقتصادی یا گذار اقتصادی، ممکن است استفاده از محدودیتهایی را ضمناً به منظور حفظ سطح ذخایر مالی مناسب برای اجرای برنامه توسعه اقتصادی یا گذار اقتصادی، ضروری گرداند.

## ۸-۳) تفاهم‌نامه قواعد و رویه‌های حل اختلاف

قواعد و رویه‌های این تفاهم‌نامه ناظر بر اختلافاتی است که طبق مقررات مشورت و حل اختلاف موافقت‌نامه‌های تحت پوشش این تفاهم‌نامه مطرح می‌شوند. از جمله موافقت‌نامه‌های تحت پوشش این تفاهم‌نامه که در پیوست ۱ آن آمده است می‌توان به موافقت‌نامه‌های چندجانبه مربوط به تجارت کالا و موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات اشاره کرد. براین اساس، این تفاهم‌نامه مشورتها و حل اختلافات مربوط به حوزه‌های کالاها (در خصوص اعمال محدودیت مقداری بر واردات) و خدمات (در ارتباط با اعمال محدودیت بر پرداختها و انتقالات بین‌المللی) را پوشش می‌دهد.

## ۴) تجربه کشورها

بر اساس گزارشات دبیرخانه سازمان جهانی تجارت، تا سال ۲۰۰۱، فقط تعداد کمی از کشورها، محدودیتهای مقداری را به دلیل مشکل ترازپرداختها حفظ کردند. در میان کشورهای جهان، تا سال ۲۰۰۱، شش کشور هند، بنگلادش، نیجریه، پاکستان، سریلانکا و تونس استفاده از محدودیتهای مقداری را حفظ کردند. این کشورها در جریان حذف تدریجی محدودیتهای مقداری بودند. برای مثال، کشور هند در مه ۱۹۹۷ تعداد ۲۷۱۴ خط تعرفه داشت که بر اساس قسمت «ب» ماده ۱۸ گات باید محدودیت مقداری درمورد آنها اعمال می‌شد، ولی این رقم در آوریل ۲۰۰۱ به تعداد ۱۴۲۹ خط تعرفه کاهش یافت (از این تعداد، ۶۸۵ خط تعرفه تحت مجوز ویژه واردات، ۷۰۰ خط محدود و ۴۴ خط بقیه کنترل شده بود).

کشور هند طی چند دهه گذشته، بر اساس قسمت «ب» ماده ۱۸ گات، محدودیتهای مقداری را بر واردات حفظ کرد. جلسات مشورتی دوره‌ای در خصوص طرح حذف تدریجی محدودیتهای مقداری با کمیته محدودیتهای ترازپرداختهای گات و سازمان جهانی تجارت برگزار گردید. طرح پیشنهادی فوق برای کاهش ۲۷۱۴ خط تعرفه که از طرف کشور هند در مه ۱۹۹۷ ارائه شد، نه ساله بود که با اصرار چند کشور عضو به هفت سال کاهش یافت. البته کشورهای استرالیا، زلاندنو، کانادا، سوییس، کمیسیون اروپا، آمریکا و ژاپن با این برنامه زمانبندی شده برای هفت سال موافقت نکردند. در نتیجه، هند با هریک از این کشورها (به‌عنوان طرف سوم) یک تفاهم‌نامه برای خاتمه تدریجی شش ساله استفاده از محدودیتهای مقداری که در مه ۱۹۹۷ به سازمان جهانی

تجارت اطلاع داده بود امضا کرد. آمریکا هم در سازمان جهانی تجارت علیه هند جهت برداشتن محدودیتهای مقداری به دلیل بهبود وضعیت ترازپرداختهایش اقامه دعوا کرد و رأی و توصیه‌های هیأت حل اختلاف در ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۹ تأیید کرد که محدودیتهای مقداری بر واردات به منظور بهبود ترازپرداختها موجه نبود. در نتیجه، کشورهای هند و آمریکا یک موافقت‌نامه دوجانبه جهت تعیین دوره زمانی مناسب برای اجرای احکام و توصیه‌های فوق در مورد دعوی آمریکا منعقد کردند. بر اساس توافق مذکور، دوره زمانی مناسب برای اجرا تا آوریل ۲۰۰۱ بود که طبق آن هند باید محدودیتهای مقداری ۱۴۲۹ خط تعرفه در سطح ۸ رقمی را برمی‌داشت.

در مقابل واردات غیرمنصفانه در صورت قیمت‌شکنی یا وجود یارانه‌های صادراتی، حمایت به ترتیب از طریق وضع عوارض ضدقیمت‌شکنی و عوارض جبرانی، مجاز بود. حتی در صورت عدم تجارت غیرمنصفانه، یک عضو سازمان جهانی تجارت در صورت افزایش بسیار زیاد واردات که منجر به آسیب دیدن یا در معرض آسیب قرار گرفتن صنعت داخلی آن گردد می‌تواند واردات یک محصول را به‌طور موقت محدود کند. این اقدامات حفاظتی در ماده ۱۹ گات جایز شمرده شده‌اند و می‌توانند شکل عوارض حفاظتی یا محدودیت مقداری موقتی را به خود بگیرند.

علاوه بر این، ابزار تعرفه‌ها برای حمایت از صنعت داخلی فراهم است. ممکن است توجه شود که در حالت ۱۴۲۹ خط تعرفه باقیمانده، هند اهرم افزایش نرخهای تعرفه مورد عمل به سطح مناسب را دارد، به شرط آن که نرخهای تعرفه تثبیت‌نشده یا تثبیت‌شده بیش از نرخهای مورد عمل داشته باشد. تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به تعرفه‌های هند نشان می‌دهد که درصد زیادی از این خطوط تعرفه تثبیت‌نشده هستند. در واقع، هند این اهرم را دارد که از تعداد ۱۴۲۹ خط تعرفه ۱۲۱۱ خط را به سطح بالاتر از تعرفه‌های مورد عمل افزایش بدهد. [۲۶]

کشورهایی که از لحاظ وضعیت توسعه تا اندازه‌ای شبیه به هند هستند و بتدریج محدودیتهای مقداری مربوط به مشکل ترازپرداختها را برداشتند، عبارتند از برزیل و مکزیک. وقتی که این کشورها در نیمه دهه ۱۹۸۰ تصمیم گرفتند که بتدریج محدودیتهای مقداری را حذف کنند، به استفاده از تعرفه‌های بالا در سطح نرخهای تثبیت‌شده تمایل داشتند. [۲۷]

## ۵) ملاحظات پایانی

با توجه به اطلاعات موجود در زمینه مقررات مربوط به ممنوعیت اعمال محدودیتهای مقداری

بر واردات و استثنائات آن در مواد گات و تفاهم‌نامه‌ها و اعلامیه‌ها و موافقت‌نامه‌های مربوطه، توجه به چند نکته لازم به نظر می‌رسد:

- در اجرای محدودیتهای مقداری برقرار شده مندرج در مواد گات، بیانیه ترازپرداختهای دور توکیو، تفاهم‌نامه مربوط به ترازپرداختها در گات ۱۹۹۴ و موافقت‌نامه‌های مذکور، نکات زیر مورد توجه قرار می‌گیرند: عدم تبعیض، ماهیت موقتی محدودیتها (موقتی و پایان‌پذیری تدریجی و تصاعدی)، اجتناب از زیان غیرضروری به منافع تجاری، اقتصادی و مالی هر طرف متعاقد دیگر، مناسب بودن میزان محدودیتها یا عدم تجاوز از حد ضرورت (محدودیتها بیشتر از سطح لازم برای رفع مشکلات ترازپرداختها نباشند)، سازگاری محدودیتها با مواد موافقت‌نامه صندوق بین‌المللی پول، در اولویت قرار گرفتن محصولات اساسی، عدم اعمال محدودیتی که مانع ورود نمونه‌های تجاری یا رعایت حق اختراع یا علامت تجاری یا حق تقلید (کپی‌رایت) یا رویه‌های مشابه شود، و کاهش محدودیتها به موازات بهبود ترازپرداختها.

- الزامات رویه‌ای جهت اجرای محدودیتهای مذکور عبارتند از: الزام اطلاع دادن اتخاذ یا تغییر محدودیتها به شورای عمومی، الزام مشورت (مشورت با کمیته ترازپرداختها، مناسب بودن محدودیتها را تضمین می‌کند)، الزام دعوت و گفتگو (از طرفهای متعاقد دعوت و با آنها گفتگو شود)، الزام توصیه به تغییر محدودیتها، الزام آزاد شدن از قید تعهدات موافقت‌نامه مربوطه (در صورت وجود اثر سوء بر تجارت یک طرف متعاقد در مقابل طرف متعاقد اعمال‌کننده محدودیت)، الزام عدم مغایرت اعمال محدودیتهای جدید یا تشدید قابل توجه آنها با مقررات ماده ۱۲ یا ماده ۱۳ (اجرای غیرتبعیضی محدودیتهای مقداری) با رعایت ماده ۱۴ (استثنائات قاعده عدم تبعیض).

- از آنجا که حوزه شمول گات صرفاً به کالاها محدود می‌شود [۲۸]، ماده ۱۲ و قسمت «ب» ماده ۱۸ گات که در خصوص محدودیتهای مربوط به حفظ ترازپرداختها با اهداف متفاوت یعنی به ترتیب حفظ موقعیت مالی خارجی و ترازپرداختهای کشورهای توسعه‌یافته و توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه می‌باشند صرفاً به محدودیتهای مقداری یا ارزشی کالای مجاز برای واردات مربوط می‌شوند و به محدودیت واردات خدمات و پرداختهای انتقالی اعم از خصوصی و دولتی را در نظر نمی‌گیرند و بعلاوه به نقل و انتقال سرمایه نیز توجه ندارند. منظور آنها از ترازپرداختها صرفاً تراز تجاری (یعنی مانده ارزش صادرات و واردات) بوده و به تراز

حساب جاری (تراز تجاری به اضافه نقل و انتقالات خدمات و پرداختهای انتقالی به داخل و خارج کشور) و حساب سرمایه (نقل و انتقال سرمایه به داخل و خارج کشور) توجه نمی‌کنند. ممکن است کشوری کسری تراز تجاری داشته باشد ولی حساب جاری یا حساب سرمایه آن مازاد داشته باشد و کسری تراز تجاری آن را پوشش دهد و در مجموع تراز کل آن کشور مازاد داشته باشد. با اضافه شدن موافقت نامه عمومی تجارت خدمات (گاتس) در دور اروگوئه [۲۹] این کمبود برطرف گردید و در ماده ۱۱ این موافقت نامه که به پرداختها و انتقالات اشاره می‌کند، همانند ماده ۱۱ گات به ممنوعیت اعمال محدودیت اشاره می‌کند. در ماده ۱۲ آن نیز همانند ماده ۱۲ گات آمده است که در صورت وجود دشواریهای جدی در ترازپرداختها و مشکلات مالی خارجی یا خطر بروز آنها، یک عضو می‌تواند محدودیتهایی را در مورد تجارت خدماتی که در خصوص آنها تعهدات خاصی را پذیرفته است، از جمله در مورد پرداختها یا انتقالات در مورد مبادلات مربوط به چنین تعهداتی، برقرار یا حفظ کند، به شرط آن که مقررات مربوطه از جمله در مورد عدم تبعیض بین اعضا، موقتی بودن، در حد لازم بودن، اجتناب از زیان غیر ضروری به منافع تجاری، اقتصادی و مالی عضو دیگر، مشورت با کمیته محدودیتهای ترازپرداختها و اطلاع فوری به شورای عمومی و انطباق با مواد موافقت نامه صندوق بین‌المللی پول را لحاظ نماید.

- اقدامات حفاظتی ترازپرداختها در قالب اعمال محدودیتهای مقداری بر واردات صرفاً از جمله اقدامات موقتی، اضطراری و استثنایی می‌باشند و اتخاذ این اقدامات به طور ساختاری مشکل ترازپرداختها را حل نمی‌کند و تراز تجاری به طور موقت در کوتاه مدت بهبود می‌یابد. اعمال محدودیتهای مقداری بر واردات خدمات هم در کوتاه مدت به طور موقت منجر به بهبود حساب خدمات می‌شود. با این حال، بویژه برای کشورهای در حال توسعه‌ای که مشکل عدم تعادل در ترازپرداختها را طی فرایند توسعه و گذار اقتصادی تجربه می‌کنند، چنین اقدامات اضطراری یک ابزار سیاست اقتصادی تلقی می‌شود، بخصوص هنگامی که گزینه‌های محدودی دارند. به هر حال، به جای توجه صرف به اعمال محدودیتهای مقداری بر واردات کالا و خدمات باید به خروج و ورود سرمایه جهت سرمایه‌گذاری هم توجه بشود. اعمال محدودیت بر ورود سرمایه خارجی با اعمال محدودیت بر واردات کالاها یا واردات خدمات فرق می‌کند، زیرا اعمال محدودیت بر ورود سرمایه خارجی منجر به بدتر شدن حساب سرمایه می‌شود، چراکه همان طور که در مبانی نظری مربوط به مفهوم حسابداری ترازپرداختها عنوان شد، هر معامله‌ای که به



دریافت از خارجیان منجر گردد یک معامله بستانکار و هر معامله‌ای که منتهی به پرداخت به خارجیان شود یک معامله بدهکار به حساب می‌آید. بنابراین، با جلوگیری از ورود سرمایه در واقع مانع بستانکار شدن حساب سرمایه شده و با فرض ثابت بودن سایر حسابها، از بستانکار شدن تراز کل<sup>۱</sup> ممانعت به عمل می‌آید و در صورت خروج سرمایه، در تراز کل کسری به وجود می‌آید. اگرچه ورود سرمایه‌گذاری خارجی در میان‌مدت و بلندمدت به احتمال زیاد موجب رشد اقتصادی کشورهای میزبان می‌شود [۳۰]، ولی از منظر حمایت کوتاه‌مدت نیز تشویق ورود سرمایه به داخل قطعاً سیاستی ضروری می‌باشد.

- اقدام حفاظتی مرتبط با ترازپرداختها در ارتباط با سرمایه‌گذاری خارجی دو حالت قبل از سرمایه‌گذاری و پس از آن از هم متمایز است. اثر اقدام حفاظتی ترازپرداختها برای قبل از سرمایه‌گذاری در فوق ذکر شد. ولی در حالت پس از سرمایه‌گذاری ممکن است شکلهای گوناگونی داشته باشد. در برخی موارد لزوماً اقدامات حفاظتی ترازپرداختها براساس مقررات سرمایه‌گذاری نخواهد بود. برای مثال، اعمال محدودیت بر واردات مواد خام سرمایه‌گذاران خارجی مطابق با اقدام حفاظتی ترازپرداختها برای کالاها می‌باشد و به خودی خود تابع مقررات گات است. موردی که با ساختار مقررات سرمایه‌گذاری ارتباط دارد، اعمال محدودیتها بر نقل و انتقال پرداختهای بین‌المللی به منظور حمایت از ترازپرداختهاست. موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات شامل مقررات نقل و انتقال پرداختها و سرمایه می‌باشد (ماده ۱۱ موافقت‌نامه مذکور). در آنجا تصریح شده است که محدودیتها برای نقل و انتقالات و پرداختهای بین‌المللی برای مبادلات جاری مربوط به تعهدات خاص اعمال نمی‌شود، گواینکه مجوز اعمال محدودیتها به منظور حمایت از ترازپرداختها داده شده است. کشورهای میزبان سرمایه‌گذاری خارجی باید به این نکته توجه کنند که حتی به منظور حمایت از ترازپرداختها، استفاده مکرر از چنین محدودیتهایی، محیطی مطلوب برای سرمایه‌گذاری ایجاد نمی‌کند و همین‌طور به ورود واقعی سرمایه‌گذاری یاری نمی‌رساند. از این‌رو، اعضا نباید به حمایت از ترازپرداختها جهت اجتناب از ریسک اضطراری اتکا کنند و در مقابل باید به اقداماتی دست یازند که منجر به بهبود ساختاری ترازپرداختها شود. هرچند اقدامات حفاظتی مرتبط با ترازپرداختها از اقدامات جلوگیری‌کننده اضطراری هستند، ولی ما را از هدف اصلی مقررات سازمان جهانی تجارت منحرف می‌سازند. اقدامات مذکور صرفاً باید به هنگام ضرورت و به طور صحیح به کار گرفته شوند و به محض رفع

---

1- overall balance

ضرورت فوراً حذف گردند. معمولاً بهبود ترازپرداختها در نتیجه بهبود ساختار اقتصادی از طریق اتخاذ مجموعه منسجمی از سیاستهای پولی، مالی، تجاری، تأمین مالی و دیگر سیاستهای کلان اقتصادی خود را نشان می‌دهد و نباید آن را کاملاً از طریق اتخاذ اقدامات مرزی به شکل حفاظتهای ترازپرداختها جستجو کرد.[۳۱]

- در ارتباط با موضوع استثنای ترازپرداختها ملاحظه می‌شود که از نقطه نظر کشور میزبان سرمایه‌گذاری، نیاز به متوسل شدن به این استثنا کمتر روشن است و به این دلیل است که سرمایه‌گذاران ممکن است سرمایه خود را به داخل منتقل کنند. بر این اساس، نگرانی از این که در تجارت بین‌الملل، واردات می‌تواند موجب کسری ترازپرداختها شود وجود ندارد. به عبارت دیگر، موضوع ترازپرداختها، از این منظر بیشتر به تجارت مربوط است تا سرمایه‌گذاری. البته موضوع ترازپرداختها هنوز می‌تواند مطرح شود و آن وقتی است که سرمایه‌گذاران تصمیم به خارج کردن سرمایه خود می‌گیرند و وجوه حاصل از این سرمایه‌ها به کشور سرمایه‌گذار یا جای دیگر برمی‌گردد یا وقتی که سرمایه‌گذاران سود خود را به خارج می‌فرستند. حتی در این مورد، ملاحظه می‌شود که موضوع ترازپرداختها در گات و گاتس و چارچوب احتمالی آتی سرمایه‌گذاری از نظر ماهوی یکسان نیستند. وقتی کشورهای واردکننده، واردات خود را به دلایل ترازپرداختها محدود می‌کنند، آنها فقط فرصتهای واردکنندگان و صادرکنندگان را برای تجارت با هدف مقاصد سودآوری محدود می‌کنند، ولی وقتی کشورهای میزبان سرمایه‌گذاری به دلایل ترازپرداختها، از برگشت وجوه اولیه سرمایه‌گذاران خارجی به کشورشان یا خروج اصل سودهای به دست آمده جلوگیری می‌کنند، آنها در واقع استفاده از داراییهای خود سرمایه‌گذاران را محدود می‌کنند. به دلیل این تفاوت ماهوی بین دو حوزه، ارزیابیهای متفاوتی بویژه برای دلایل ترازپرداختها در ارتباط با سرمایه‌گذاری وجود دارد.[۳۲]

- رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت که مسئولیت اجرای قواعد و رویه‌های حل اختلاف را بین طرف متعاهد اعمال‌کننده محدودیت واردات و پرداختها و انتقالات بین‌المللی و طرف یا طرفهای متعاهد دیگر را به عهده دارد نقش مهمی را در جلوگیری از اعمال محدودیتهای مقداری مذکور ایفا می‌کنند که در صورت عدم دقت در رسیدگی به اختلافات باعث رواج بی‌رویه این محدودیتها و در نتیجه کاهش تجارت بین‌المللی می‌شود و این درست برخلاف اهداف گات و سازمات جهانی تجارت می‌باشد. رکن حل اختلاف به هنگام بروز اختلاف بین طرفین متعاهد به

بررسی دقیق موارد زیر می پردازد: بررسی حد ضرورت دفع خطر فوری یا متوقف کردن سقوط شدید ذخایر پولی، تشخیص لطمه جدی یا خطر ناشی از آن به تجارت، اثر سوء اعمال محدودیتهای مقداری بر تجارت و یا بر اجرای برنامه و سیاست توسعه اقتصادی، مغایرت محدودیتهای مزبور با مقررات مندرج در مواد مربوطه در گات و تفاهم‌نامه و بیانیه مربوطه، بررسی ماهیت مشکلات ترازپرداختها، رسیدن به یک نرخ معقول افزایش ذخایر مربوطه، حدود محدودیتهای وارداتی، رویه‌های مشورت، داوری، توصیه‌ها، آزاد شدن از قید تعهدات در قبال طرف متعاقد اعمال‌کننده محدودیت، عدم تبعیض و استثنای آن و غیره.

## یادداشتها

1- Lindert 2002, p. 166.

۲- شرط مارشال- لرنر عبارت است از این که مجموع کششهای قیمتی تقاضا برای صادرات و واردات کشور مورد نظر بزرگتر از یک باشد. در آن صورت، تضعیف ارزش پول کشور در مقابل پول طرف مقابل موجب بهبود تراز تجاری، حساب جاری و (با فرض ثابت ماندن حساب سرمایه) موازنه کل می‌شود.

۳- در مورد سیاست پولی انقباضی، کاهش تولید از طریق کاهش سرمایه‌گذاری در نتیجه افزایش نرخ بهره ناشی از کاهش عرضه پول صورت می‌گیرد.

۴- سالواتوره ۱۳۸۶، ص ۱۷۰-۱۶۹.

5- Cohen 1973, p 17.

6- Ibid., p.52-53.

7- Ibid., p.53-54.

۸- سالواتوره ۱۳۶۸، ص ۲۰۹-۲۰۳.

9- Sodersten and Reed 1994, p.506-507.

۱۰- به طور خلاصه می‌توان به چهار نظام نرخهای ارز ثابت، تثبیت شده، شناور و شناور اداره شده اشاره نمود. در نظام نرخهای ارز ثابت مانند نظام پایه طلا (یا پایه پول طلا)، نرخ ارز بین دو پول با وزن طلای آن دو تعیین می‌شد. در نظام نرخهای ارز تثبیت شده در برابر یک پول مانند دلار یا سیدی از پولها مانند حق برداشت مخصوص، نرخ ارز در ارزشی (ارزش برابری) تثبیت می‌شود و می‌تواند تا محدوده مشخصی بالا یا پایین برود. در نظام نرخهای ارز شناور، نرخ ارز با عرضه و تقاضا برای ارز تعیین می‌گردد. و بالاخره در نظام نرخهای ارز شناور اداره شده یا کثیف، مقامات پولی در بازار ارز مداخله می‌کنند تا نوسانات کوتاه مدت را کم کنند.

11-<http://commerce.nic.in/wtojan.htm>, p.1.

۱۲- برای توضیح بیشتر به آدرس اینترنتی زیر مراجعه شود:

[http://www.farmfoundation.org/2002\\_farm\\_bill/sumner.pdf](http://www.farmfoundation.org/2002_farm_bill/sumner.pdf), p.2-5.

۱۳- شرکتهای تجاری دولتی دارای مالکیت دولتی یا نمایندگیهای مورد تأیید هستند.

14- **Ibid.** , p.3.

15- [http://web.biz.uwa.edu.au/staff/sverani/IIT\\_New/ver.html](http://web.biz.uwa.edu.au/staff/sverani/IIT_New/ver.html), p.1.

16- <http://www.meti.go.jp/english/report/downloadfiles/gCT0003e.pdf>, p.210-211.

۱۷- مرکز تجارت بین الملل و دبیرخانه مشترک المنافع ۱۳۷۵، ص ۹۶-۸۹.

۱۸- در آنجا تصریح شده است که یک طرف متعاقد هیچ گونه ممنوعیت یا محدودیتی را غیر از عوارض، مالیات یا هزینه های دیگر اعم از این که از طریق سهمیه ها، مجوزهای وارداتی یا صادراتی یا اقدامات دیگر باشد در مورد ورود محصولی از قلمرو طرف متعاقد دیگر یا صدور یا فروش صادرات محصولی که مقصد آن قلمرو طرف متعاقد دیگر باشد وضع یا حفظ نخواهد کرد.

19-World Trade Organization 2002, p.447.

20- <http://www.worldtradelaw.net/tokyoround/bopunderstanding.pdf>, p.3.

۲۱- دبیرخانه گات ۱۳۷۳، ص ۳۹-۳۳.

22-WTO document WT/WGTI/W/138,p.5.

۲۳- شایان ذکر است که هر کدام از موافقت نامه های بخشی سازمان جهانی تجارت (کشاورزی، منسوجات و خدمات) اقدامات حفاظتی خاص خود را دارند.

24-Goode 2004, p.301-302.

۲۵- تعهدات خاص، تعهداتی هستند که در ارتباط با رفتار ملی و دسترسی به بازار می باشند و درباره آنها مذاکره شده و در جداول ملی کشورها در مورد خدمات آمده اند.

26- <http://commerce.nic.in/wtojan.htm>,p.2.

27- **Ibid.**, p.4.

۲۸- برخی از کالاها هم از شمول این موافقت نامه خارج بود که از جمله می توان به محصولات کشاورزی، منسوجات و پوشاک اشاره کرد.

۲۹- قبل از دور اروگوئه، تجارت خدمات در سطح بین‌المللی تابع هیچ مقررات بین‌المللی نبود.

۳۰- دلیل این امر آن است که فعالیتهای تولیدی مبتنی بر سرمایه‌گذاری خارجی موجب اشتغال در کشور میزبان می‌شود که برای تولید و رشد اقتصادی لازم است.

31- WTO document WT/WGTI/W/138, p.6-8.

32- WTO document WT/WGTI/W/144.

## منابع

در نگارش مقاله حاضر، علاوه بر اسناد و منابع اینترنتی مذکور در متن، از منابع زیر استفاده شده است:  
دبیرخانه گات (۱۳۷۳) **سند نهایی دور اروگوئه**. ترجمه مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.  
سالواتوره، دومینیک (۱۳۶۸) **اقتصاد بین‌الملل**. ترجمه هدایت ایران‌پرور و حسن گلریز. چاپ اول. تهران: نشر نی.

\_\_\_ (۱۳۸۶) **نظریه‌ها و سیاستهای اقتصاد بین‌الملل**. ترجمه حمیدرضا ارباب. تهران: نشر نی.  
مرکز تجارت بین‌الملل و دبیرخانه مشترک المنافع (۱۳۷۵) **راهنمای تجاری دور اروگوئه**. ترجمه مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

Cohen, B. J. (1973) **Balance-of-Payment Policy**. Third edition. England: Penguin.

Goode, Walter (2004) **Dictionary of Trade Policy Terms**. Fourth edition. Cambridge: Cambridge University Press.

Lindert, Peter H. (2002) **International Economics**. Delhi: All India Traveler Bookseller.

Sodersten, Bo and Geoffrey Reed (1994) **International Economics**. Third edition. England: McMillan.

World Trade Organization (2002) **The Legal Texts**. Cambridge: Cambridge University Press.